شماره ۱۰۱

روزنامه صبح ایران

قانون

سال ششم | ۲۴صفحه | ۱۰۰۰تومان

سه‌شنبه ۲۳آبان ۱۳۹۶ | ۲۵صفر ۱۴۳۹ | ۱۴نوامبر ۲۰۱۷

ژان ت ژان ئیرانه

پرونده ویژه روزنامه قانون برای زلزله کرمانشاه

گزارش میدانی روزنامه قانون از آنچه در مناطق زلزله زده کرمانشاه می گذرد / صفحه ۱۱
بیداری زمین و خواب مسئولیت اجتماعی / صفحه ۱۰
تیشه زلزله بر میراث فرهاد / صفحه ۹
سقوط ایرلاین ها در چاله هوایی سود جویی / صفحه ۹
گسلی به نام مسکن مهر / صفحه ۸
بی مهری های مسکن مهر / صفحه ۵
آوار بی تدبیری بر سر مردم بی گناه / صفحه ۳

عکس: حسن شیروانی/ میزان

معنای تیتر یک به زبان فارسی: درد تو درد ایران است

یادداشت ۱

سرپل ذهاب واندوهی به وسعت تمام ایران

میراقربانی‌فر
روزنامه‌نگار

بعد از ظهر دوم مهرماه ۱۳۵۹ تانک های لشکر ۶ زرهی عراق تابن دندان مسلح، وارد سرپل ذهاب شدند. در آن زمان به جز شهر، ارتفاعات کوره موش، بنه دستک و قراوینه به اشغال عراقی ها درآمد. ارتفاعاتی که در ضلع شمال غربی و غرب سرپل ذهاب قرار داشتند، همواره از اهمیت بالایی برخوردار بودند. ارتفاعات سخت گذر بازی دراز با قله‌های بلند و شیب‌های تند و بریدگی‌های ممتد که از اهمیت ویژه‌ای در منطقه مرزی استان کرمانشاه داشت در آن زمان اما اهمیتی دوچندان پیدا کرده بود. نیروهای عراقی در روزهای آغازین جنگ از «بازی دراز» برای دیده‌بانی استفاده می کردند اما ویژگی های این ارتفاعات موجب شد با فعالیت‌های مهندسی روی آن جاده‌سازی شود و یگان های عراق در آن جا مستقر شوند و ضمن افزایش سلطه بر قصرشیرین، سرپل ذهاب را نیز زیر دید خود بگیرند. امانتیجه این اشغالگری عراق، یکی از پیچیده‌ترین عملیات های ایران برای بازپس گیری خاک خود شد. برای گرفتن این امتیاز مهم از دشمن پس از سه راه کار، نیروهای شناسایی سپاه قرارگاه مقدم غرب سپاه وارتش نخستین عملیات نیمه گسترده را در این منطقه طرح ریزی کردند که با نام عملیات «بازی دراز» در تاریخ ۱۳۶۰/۲/۱ آغاز شد و به مدت هشت روز طول کشید و طی آن نیروهای خودی و دشمن بارها به تک و پاتک متقابل پرداختند. در نهایت نیز نیروهای ایرانی به پشتوانه کمک های مردمی در یک عملیات پیچیده و سنگین، منطقه را از عراقی ها بازپس گرفتند. امانام «سرپل ذهاب» تنها برای عملیات مهم بازی دراز نبود که مطرح شد. نام «سرپل ذهاب» بارها و مکرر در طول تاریخ جنگ ایران و عراق و برای دفاع جانانه ایران از مرزهایش شنیده شد. «سرپل ذهاب» در آن سال ها مظلومانه اما مقاوم در برابر بیگانه ایستاد تا وجبی از خاک این سرزمین از دست نرود. سرپل ذهاب در طول جنگ بیش از ۵۰ بار هدف آتش توپخانه و بمباران هواپیماهای ارتش عراق قرار گرفت و ۱۱۲ شهید و ۳۶۹ تن مجروح تقدیم انقلاب اسلامی کرد. در اثر جنگ تحمیلی ۶۵۰۰ واحد شهری ۲۱۲ روستا با ۸۰۰۰ واحد روستایی تخریب و با ۷۹۷۶ فقره خسارت کشاورزی وارد شد. ۳۰ سال از آن روزگار گذشت. ۳۰ سال از روزگاری که هر روز منتظر شنیدن نام مهران، پاوه، ایلام، سرپل ذهاب و قصرشیرین بودیم، گذشت و پس از ۳۰ سال، بار دیگر همه ایران یکصدا شد، سرپل ذهاب، ایلام و ... چقدر دیر یادمان افتاد این نام‌ها را، دیر یادمان افتاد که در دهای ایلام و قصرشیرین و پاوه را باید به جان بخریم برای آنچه آنان برای دفاع از این خاک به جان خریدند. این بار جنگ طبیعت با انسان بود که نام سرپل ذهاب را در ایران طنین افکن کرد. روزگاری بود که سرپل ذهاب ایستاد تا ایران بماند. سرپل ذهاب سقوط نکرد تا خط های مقدم مدافعان وطن سقوط نکند و این بار شاید نوبت ایران است که پشت سرپاره تنش بایستد تا شهر دوباره شهر شود. زلزله‌ای ویرانگر با قدرت ۷/۳ ریشتر، تیشه به خانه هموطنانی از این سرزمین زده است که زیر هشت سال فشار و نبرد و جنگ نتوانسته بود آنان را از پابیندازد و این از پانایستادن، شدراهی برای حفظ خاکی که خاک همه ایرانیان است. روزگاری صدام مغرورانه گفته بود: «اگر ایرانی ها ارتفاعات بازی دراز و سرپل ذهاب را پس بگیرند کلید بغداد را هم بهشان می دهم» و این شهر و این مردم ایستادند تا خاک خود را پس بگیرند. حال و پس از زلزله دو روز پیش، کمترین حق این مردم است که توی چشم‌های مازل بزنند و محکم بپرسند: چه کردید برای ما که ایستادیم برای شما؟ ۳۰ سال سر در گریبان برده یادمان رفت که روزی نبود که نشنویم سرپل ذهاب زیر آماج موشک و توپ است و حال زلزله آمد تا سیلی بزند به صورت‌مان برای شهری که ویران شده است. خبرها از تخریب بیش از ۹۰ درصد شهر می گویند. از ویرانی جانکاهی که سهم مردمان این سرزمین شده است و ما حالا پس از ۳۰ سال فراموشی دوباره می شنویم، سرپل ذهاب! و ترس البته همه وجود را می گیرد وقتی به یاد می آوریم که با هجوم اندوه به یاد این شهر افتادیم و نکند با سردشدن این خاک غران از یاد ببریم، سرزمینی را که یکپارچه درد است و هنوز زخم های هشت سال دفاع را بر تن داشت که زخمی دیگر بر آن خورده است. سرپل ذهاب و ایستادگی و مقاومتش در حالی که عزیزترین فرزندان این خاک راهی این شهر شدند تا مرز ایران سقوط نکند برای ابد در تاریخ به یادگار خواهد ماند. حالا شاید نوبت ما و نوبت مسولان است. این شهر یادگار حماسه بزرگ مقاومت است. بازمانده از دوران میهن پرستی ها و اگر امروز مساله، یاری همگانی به این شهر و مردمانش است اما مطالبه بزرگ‌تری نیز وجود دارد. بازسازی شهری که هشت سال ایستاد تا ایران سرپا بایستد. حالا باید ایران برای این شهر و به احترامش بایستد تا سرپل ذهاب برای تاریخ این سرزمین باقی بماند.

یادداشت ۲

مرمت‌های شتاب‌زده بلایی بدتر از زلزله

محمدکرمی
کارشناس

زلزله غرب کشور نمایشی از اوج بی‌دفاعی میراث تاریخی کشور در برابر حوادث و بلایای طبیعی بود. در این سال‌ها مرمت، تنها دانشی بوده است که برای بناهای تاریخی در نظر گرفته‌اند. در مرمت‌های جسته گریخته انجام شده نیز توجهی به این مقاوم‌سازی آثار تاریخی در برابر زلزله نشده است. نمونه بارز آن، تخریب دیوار کاروانسرای شاه‌عباسی قصر شیرین بود که به تازگی مرمت شده است. براساس پیش‌بینی‌های انجام شده هر ۱۰ سال یک‌بار، یک زلزله بالای هفت ریشتری در ایران رخ می‌دهد و میراث تاریخی کشور در برابر این زلزله‌ها، بی‌پناه و نامقاوم هستند. تخریب آثار و اماکن تاریخی پس از وقوع زلزله، فاجعه دیگری در کنار خسارت‌های جانی و مالی است. فاجعه‌ای که به‌دلیل ارزش بالای فرهنگی و معنوی آن نمی‌توان به‌راحتی از کنار آن گذشت. حفاظت اضطراری و عملیات نجات‌بخشی آثار مرتبط با میراث فرهنگی یکی از اقدامات ضروری پس وقوع زلزله است. جای مدیریت بحران در محوطه‌های تاریخی در کشور همچنان خالی است و پس از هر زلزله‌ای مسئولان تنها به پیام‌های ابراز تاسف بسنده کرده و تاکنون هیچ اقدامی برای حل این مشکل انجام نداده‌اند. همچنین یکی دیگر از مسائلی که باید پس از زلزله باید به آن توجه ویژه داشت مرمت و بازسازی اصولی و کارشناسی آثار تخریب‌شده است. ستادهای بحرانی در محوطه‌های تاریخی پس از وقوع زلزله نباید تنها نمایشی باشد. لازم است بعد از حفاظت اضطراری بلافاصله عملیات نجات‌بخشی هم صورت گیرد، زیرا حتی اگر بتوانیم بعد از وقوع زلزله تکه‌ای گچبری از اثر را هم حفظ کنیم، ارزش دارد. همواره جای تشکیلاتی به عنوان شورای مدیریت بحران برای نجات‌بخشی آثار و بناهای تاریخی بعد از وقوع حوادث طبیعی مانند سیل، زلزله و ... در سازمان میراث فرهنگی و گردشگری خالیست و ضروری است که تشکیلاتی در این زمینه ایجاد تا از هر گونه تلاش شتاب‌زده جلوگیری شود. البته این به آن معنی نیست که در کار، سرعت عمل نداشته باشیم. عملیات نجات‌بخشی در گام اول باید توسط کارشناسان خبره بررسی و تحلیل شود و در گام بعدی پس از تصویب، به سرعت اجرا شود و این فرآیند می‌تواند حتی در یک روز انجام شود و ضروری است در شورای مدیریت بحران، کارشناسان خبره و صاحب اختیار حضور داشته باشند. بحث مدیریت بحران موضوع پیچیده‌ای است و باید کارشناسان برای حفاظت و مرمت آثار، دارای تسلط کافی باشند. اگر اقدامات بموقع و درستی صورت نگیرد، باعث خسارت‌های جبران ناپذیری به بناها می‌شود. تجربه نشان داده است که هنگام وقوع زلزله، آثار تاریخی به‌مانند دیگر بناها دچار آسیب و تخریب می‌شوند اما پس از رخ دادن زلزله این آثار در معرض تهدیدهایی چون سرقت، تخریب دوباره، مرمت شتابزده و غیر کارشناسی و ... غیره قرار می‌گیرند. اجزای ساختمان‌های تاریخی باید به‌شکل دقیق بررسی و با داشتن ابزار علمی مدل‌سازی و تحلیل شود تا درمان لازم برای مقاوم کردن بناهای تاریخی انجام شود. وقتی یک سازه تاریخی نتواند انرژی زلزله را جذب کند از شیوه‌هایی استفاده می‌شود تا بنا در برابر زلزله مقاوم باشد. به‌عنوان مثال یکی از آن‌ها جدا کردن بنا از زمین است تا انرژی ناشی از زلزله به درون بنا منتقل نشود. تاکنون در ایران چنین شیوه مقاوم‌سازی آثار تاریخی که در آن از ورود انرژی زلزله به بنا جلوگیری شود، انجام نشده است. بناهای تاریخی بیشتر به‌سمت مرمت پیش رفته‌اند در حالی که لازم است همزمان با مرمت یک بنای تاریخی، به مقاوم‌سازی آن در برابر زلزله نیز توجه داشت.

یادداشت ۳

والدین، مالک یا حافظ منافع کودک؟

حسن اسدی زید آبادی
حقوقدان

«پوسیدگی دندان دختر محصل در آمریکا به بازداشت پدر و مادر او منجر شد. زوج آمریکایی ساکن فلوریدا به جرم سهل انگاری در مراقبت از دخترشان که دچار پوسیدگی شدید ۱۷ دندان شده، دستگیر و راهی زندان شدند». انتشار این خبر و اخبار دیگری از این دست در شبکه‌های اجتماعی موجب شگفتی مخاطب ایرانی می شود. چگونه قوه قاهره حکومتی به خود حق می دهد که به دلیل پوسیدگی دندان فرزند، والدین را مجازات کند؟ مگر «بچه ی خودشان» نیست؟ شاید همه بحث این نوشتار را بتوان در اشاره به همان «ی» مالکیت میان بچه و خودشان خلاصه کرد که «العاقل یکفیه الاشاره». چنین واکنش اجتماعی و مجازاتی البته نه فقط از منظر عرف، سنت و هنجارهای اجتماعی ما غیر قابل پذیرش و ناروا ست بلکه نظام حقوقی کنونی ما نیز چنین رویکرد و معیاری را نمی پذیرد. اجازه دهید نگاه کوتاهی کنیم به رابطه حقوقی (حق و تکلیف) میان فرزند و والدین از منظر قوانین خودمان. در قوانین ما که منبعث از موازین فقهی است این رابطه حقوقی به‌طور عمده ذیل نهادی تحت عنوان «ولایت» سامان می یابد. بلافاصله متذکر شوم که در این چارچوب ولیّ طفل پدر و جد پدری به موازات یکدیگر ند و مادر فرزند در اینجا نقشی ندارد. مطابق ماده ۱۱۸۱ قانون مدنی «هریک از پدر و جدّ پدری، نسبت به اولاد خود ولایت دارند». در فقه، ولایت را ولایت بر نفس، مال و حقوق اطفال می دانند. در این زمینه برخی فقهای مشهور معتقدند که مبنای ولایت بر کودک، رعایت عدم مفسده است. یعنی لازم نیست عملی را که ولی برای فرزندش انجام می دهد، در آن مصلحت یا نفعی برای کودک وجود داشته باشد. به‌طور خلاصه در این دیدگاه ولی قهری کودک صاحب مال و جان طفل صغیر خود است. از همین روست که مطابق بند (ت) ماده ۱۵۸ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ «اقدامات والدین ... که به‌منظور تادیب یا حفاظت آن‌ها (اطفال) انجام می‌شود، مشروط بر اینکه اقدامات مذکور در حد متعارف و حدود شرعی تادیب و محافظت باشد» حتی اگر جرم باشد قابل مجازات نیست. حداعلای این رویکرد در البته در نفی قصاص در شرایطی که پدر، فرزند خود را به قتل برساند می توان مشاهده کرد.

با این حال و از سوی دیگر، امروزه قواعدی به حقوق خانواده در دنیای مدرن شکل می دهد که در خصوص وضعیت رابطه والدین با فرزندان بالاترین اهمیت را به «حفظ مصالح و منافع عالیه کودک» می دهد. این نگاه حقوق بشری به نهاد خانواده را می توان در کنوانسیون حقوق کودک ملاحظه کرد که از قضا، کشور ما نیز به آن پیوسته است. مطابق این نظام حقوقی دولت‌ها موظفند تضمین کنند که در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط موسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه‌ها، مقامات اجرایی یا ارگان های حقوقی انجام می‌شود، منافع کودک از اهم ملاحظات باشد. همچنین از منظر این کنوانسیون، پدر و مادر کودک مسئولیت‌های مشترکی در مورد رشد و پیشرفت کودک دارند و اساسی ترین مساله آنان باید حفظ منافع عالیه کودک باشد. (ماده ۱۸) مطابق این نظام حقوقی که اکنون حدود ۲۰۰ کشور به آن ملحق شده و مکلفند که نظام حقوقی خود را مطابق آن اصلاح و تنظیم کنند دولت‌ها متعهدند تمام اقدامات قانونی، اجرایی، اجتماعی و آموزشی را در جهت حمایت از کودک در برابر تمام اشکال خشونت‌های جسمی و روحی، آسیب رسانی یا سوءاستفاده، بی توجهی یا سهل انگاری، بدرفتاری یا استثمار از جمله سوءاستفاده جنسی در حینی که کودک تحت مراقبت والدین یا قیم قانونی یا هر شخص دیگری قرار دارد، به عمل آورند. کنوانسیون تاکید می کند که این گونه اقدامات حمایتی در موارد مقتضی باید شامل اقدامات موثر برای ایجاد برنامه‌های اجتماعی در جهت فراهم آوردن حمایت‌های لازم از کودک و کسانی که مسئول مراقبت از وی هستند و نیز حمایت در برابر سایر اشکال محدودیت‌ها و نیز برای پیشگیری، شناسایی، گزارش دهی، ارجاع، تحقیق، درمان و پی گیری موارد بدرفتاری‌ها و نیز بر حسب مورد پشتیبانی از پیگرد قضایی باشد. (ماده ۱۹)

اکنون با ملاحظه قواعد مدرن و حقوق بشری در خصوص نقش و مسئولیت والدین در رابطه با فرزند که در واقع پدر و مادر را تنها وکلای جامعه برای حفظ منافع کودک (به مثابه یک انسان صاحب حق) می داند و دولت‌ها را مکلف به نظارت بر عملکرد آن‌ها می کند، شاید خبر مجازات پدر و مادری که با سهل انگاری خود موجبات صدمه به دندان‌های فرزند خود را فراهم کرده‌اند، بیشتر قابل فهم باشد.

یادداشت ۴

برای داغی که مانده بر دل کرمانشاه

مینامهری
روزنامه‌نگار

سال‌هاست مرگ بر این زندگی آوار شده است. از روزی که دختر دو ساله روژان تب کرد و تا رسیدن به قصر شیرین تاب نیاورد تا روزی که کولاک زد به جوانی شیر پسر کولبر مصطفی و یخ شد سنگ قبرش. زلزله آمده، خانه ها خراب شده و مردم در تهران، چای گرم می نوشند و از اخبار این ویرانی می گویند. اما چندنفر می توانند دستان کارگری پینه بسته را تصور کنند که هفته پیش بعد از روزدن به هزار غریبه و آشنا با ذوق جعبه تلویزیون رنگی را زد زیر بغلش و آورد خانه تا «سارینا» کارتن ببیند و سهم کوچکی از کودکی داشته باشد. نشسته ای رو به خرابه های خانه ات، چیزی نمی گویی، گریه نمی کنی، سیگار به لب نمی گیری و از جایت بلند نمی شوی. به چه فکر می کنی کاک «بیباک»؟ این آفتاب که سر زد دستار ژاله را از زیر کدام آجری خواهی یافت که پارسال با دست های خودت قالب زده بودی تا خانه برای بدرقه عروس برگ گلت نونوار باشد. قرار بود نوای ساز و دهل عروسی بپیچد در این خانه نه «یقرا الفاتحه مع الصلوات».

چند سال؟ چندسال طول خواهد کشید تا کسی کیلومترها آن طرف‌تر بفهمد دو میلیون وام برای خرید جهیزیه دختر و یک شبه بی کس شدن یعنی چه کاک؟

زلزله آمده، خانه ها خراب شده اما محرومیت، هزارسال است که اینجا آوار شده.

حتی مفهوم «خانه خرابی» شهر هم هزار کیلومتر فاصله دارد تا آنجا که تو نشسته‌ای.

تلفن زنگ می‌خورد، نفر به نفر به تعداد آن‌ها که رفته اند اضافه می‌شود. مرگ این جا روایت غریبی نیست کاک، اینجا همه شهادت می دهند؛ یک روز بهانه‌اش جنگ است، یک روز کولاک و سرما، روز دیگر فقر و نداری و حالا زلزله هم اضافه شد به داستان کوچ قاب عکس‌های روی طاقچه. پس کی قرار است این کوه، سرنای عروسی را بیش‌تر از مارش غم پژواک دهد کاک؟ اورامانات تا کی باید پابه‌پای مادران مویه کند، زار بزند و از نداری بر صورت خنج بکشد؟ شاهو گفته که سرصبحی آمده بلندت کند از روی خاک، زانوهایت لرزیده. میان این همه خبر مرگ و ویرانی، خبر آمده زانوهای چون تویی لرزیده که چهاربرادرت را در همین کوه‌ها عراقی‌ها سربریدند و تو پارچه سیاه را کندی از در خانه که نفر پنجم اگر منم، با گریه دشمن شادم نکنید. کسی چه می داند خانه خرابی یعنی چه کاک؟ ما چه می دانیم از غمت؟

خبر بخوانید. تحلیل ببینید.
از بازارها مطلع شوید!

@fooladnewsir
فولاد نیوز
(پایگاه جامع اطلاع رسانی صنعت فولاد ایران)
www.fooladnews.com